

راهبرد و الگوی رفتاری روسیه در تقابل ایران و رژیم صهیونیستی

علی اکبر جعفری*

جواد شفقت‌نیا آباد**

چکیده

جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به دلیل اختلافات راهبردی و خصومت‌های ایدئولوژیکی در سطوح مختلف با هدف به‌حداکثر رساندن قدرت منطقه‌ای خود، به کنترل، مهار و ایجاد بازدارندگی علیه یکدیگر پرداخته‌اند. پیوندهای عمیق تاریخی میان روسیه و اسرائیل، سطح مناسبات دیپلماتیک آنها را از سطح عادی به سمت استراتژیک سوق داده است. تحریم‌های آمریکا علیه مسکو و نقش میانجی‌گری اسرائیل در حل و فصل اختلافات با آمریکا، فرصتی را به تل‌آویو داد که از آن به‌عنوان برگ برنده در نزدیکی راهبردی با روسیه در جهت تضمین امنیت خود استفاده کند. این درحالی است که ایران و روسیه با تأکید بر منافع مشترک، به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم روابط دوجانبه خود پرداخته‌اند. به‌طوری که سطح همکاری‌های نظامی و سیاسی ایران و روسیه، بیانگر تحول عظیمی در روابط دوجانبه دو کشور است. از این‌رو، تقویت جایگاه سیاسی و نظامی ایران و اسرائیل توسط روسیه، به یک عامل محرک تهدید امنیت ملی تبدیل شده است. سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که با وجود تقابل ایران و اسرائیل تاکنون، روسیه چه الگوی رفتاری را در قبال این دو متحد تاکتیکی خود اتخاذ کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال، فرضیه ما این است که، مناسبات گسترده مسکو با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه باعث شده است که مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو متحد تاکتیکی خود برگزیند. این مقاله به روش تحلیلی و بر مبنای رویکرد موازنه قوا داده‌های پژوهش را مورد تبیین قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: راهبرد، روسیه، توازن قوا، الگوی رفتاری، ایران، اسرائیل

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دانشجویی تحت عنوان «روابط روسیه - اسرائیل و منافع ملی ایران» از دانشگاه مازندران است.

* دانشیار روابط بین‌الملل / دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول) A.jafari@umz.ac.ir

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران Javad.sh.28968@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۶

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نود و چهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۳۳-۵

مقدمه

ظهور انقلاب اسلامی ایران و تعارضات راهبردی آن با اسرائیل به‌ویژه در بعد ایدئولوژیک^۱، معادلات منطقه غرب آسیا را حول تقابل راهبردها سوق داده است. به‌طوری که افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای ایران به‌ویژه در بحران سوریه و برنامه هسته‌ای به یک عامل تهدید برای موجودیت اسرائیل تبدیل شده است. ایران و اسرائیل در جهت دستیابی به عمق استراتژیک^۲ منطقه و ایجاد بازدارندگی علیه یکدیگر، همکاری با روسیه را مورد توجه قرار داده‌اند. عامل دیاسپورای^۳ یهودیان روسی، ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روسیه را تحت تأثیر قرار داده است. در سال‌های اخیر روسیه و اسرائیل با تأکید بر منافع مشترک، اهداف و منافع خود را در تعامل با یکدیگر جستجو می‌کنند. نقش فرامنطقه‌ای روسیه در تضمین امنیت اسرائیل، موجبات تعاملات و مناسبات گسترده‌تری را فراهم آورده است. روسیه نیز بر جایگاه اسرائیل در حل و فصل اختلافات با غرب و کاهش تحریم‌های آمریکا نسبت به خود، واقف است به‌طوری که روسیه ملاحظات مربوط به امنیت ملی و تمامیت ارضی اسرائیل در بحران‌های منطقه‌ای به‌ویژه بحران سوریه را رعایت کرده است. از طرفی دیگر، اسرائیل ضمن رعایت خطوط قرمز روسیه در معادلات منطقه خاورمیانه، روسیه را در دستیابی به اهداف اقتصادی و استراتژیک خود حمایت کرده است. لذا، مسکو-تل‌آویو در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، به سطحی از همسویی و همپوشانی در رفتار و اهداف رسیده‌اند. این در حالی

1. Ideological

2. Strategic

3. Diaspora

است که روسیه در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای خود به توسعه روابط با ایران گام برداشته است، به گونه‌ای که تهدیدهای مشترک برآمده از آمریکا و اروپا، مهم‌ترین عامل توسعه همکاری دو کشور بوده است. تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و روسیه در سال‌های اخیر، افق‌های جدیدی در روابط دوجانبه دو کشور ایجاد کرده است. روسیه در پی آن است که با توسعه روابط با ایران، آمریکا را وادار کند تا امتیازات بیشتری در صحنه‌های بین‌الملل بدهد. درحالی که مسکو بر این واقف است دستیابی به اهدافش در منطقه، بدون توجه به نقش و قدرت آفرینی ایران امکان‌پذیر نیست. ایران هم می‌داند رویکرد نگاه به غرب سیاست خارجی روسیه، به معنای دوری متحدش از محور شرق نیست، ولی این رویکرد، روابط روسیه و ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است. بحران سوریه تحول عظیمی در روابط دو کشور در ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی به وجود آورد، به طوری که سطح مناسبات عالی دیپلماتیک^۱ فعلی دو کشور، همکاری و اشتراک مواضع در حل بحران سوریه و توافقنامه‌های نظامی و اقتصادی، به نزدیکی دو کشور ایران و روسیه توسعه بخشیده است. تقابل ایران و اسرائیل و نقش آفرینی آن‌ها در صحنه‌های بین‌المللی، روابط روسیه با این دو بازیگر را مورد آزمون قرار داد به طوری که پیوندهای عمیق تاریخی مشترک بین روسیه و اسرائیل، روابط آنها را به سمت استراتژیک سوق داده است. از طرف دیگر روسیه و ایران در چارچوب اهداف خاورمیانه‌ای خود در تحولات منطقه نیاز به تعامل با یکدیگر هستند. لذا به نظر می‌رسد هرگونه روابط و همکاری روسیه با یکی از این دو بازیگر، روابط دیگری با روسیه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با در نظر گرفتن این ملاحظات، این سؤال مطرح می‌شود که با وجود تقابل ایران و اسرائیل، تاکنون روسیه چه الگوی رفتاری‌ای را در قبال این دو متحد تاکتیکی خود اتخاذ کرده است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفته، عبارت از این است که مناسبات گسترده مسکو با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و

بین‌المللی روسیه باعث شده است که مسکو الگوی رفتاری موازنه قوا^۱ را بهترین رویکرد در جهت دستیابی به اهداف و منافع خاورمیانه‌ای خود در قبال این دو متحد تاکتیکی برگزیند. روش تحقیق در این مقاله تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است که از طریق مراجعه به آرشیو مراکز علمی و همچنین شبکه جهانی اینترنت انجام شده است. به منظور تحلیل علمی و واکاوی تئوریک پژوهش از نظریه موازنه قوا در چارچوب مکتب نواقع‌گرایی^۲ بهره گرفته شده است. هرچند پیرامون روابط روسیه با اسرائیل و ایران به طور جداگانه تاکنون چندین مقاله و کتاب به رشته تحریر درآمده است، اما این منابع تمرکز کامل خود را بر موضوع الگوی رفتاری روسیه در قبال این دو بازیگر نگذاشته است. لذا مقاله حاضر در تلاش است تا خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی پر کند.

۱. چارچوب نظری

پاسخگویی به سؤال‌ها و آزمون فرضیه‌ها در هر طرح پژوهشی، نیازمند مبانی نظری است. در این پژوهش برای تبیین و تحلیل موضوع از نظریه موازنه قوا در مکتب نواقع‌گرایی استفاده شده است. از دید نظریه پردازان نواقع‌گرایی، قدرت و امنیت، موجبات سیاست موازنه قوا توسط دولت‌ها را فراهم می‌آورد. ناتوانی قدرت‌های بزرگ در موازنه‌سازی بین‌المللی در قبال آمریکا در دوره پساجنگ سرد، چالش‌هایی را برای نظریه موازنه قوا ایجاد کرد. اندیشمندان نواقع‌گرا از جمله کنت والتز^۳، استفان والت^۴ و میرشایمر^۵ برای دستیابی به حل این چالش‌ها به ارائه نظریات جدید موازنه قوا مطابق با نظام بین‌الملل پرداختند (سیمبر و صالحیان، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۵). نظریه پردازان نواقع‌گرا علل رقابت بازیگران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستیابی به قدرت و بقا جستجو می‌کنند (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

-
1. Balance of power
 2. Realism
 3. Kenneth Waltz
 4. Stephen Walt
 5. John Mearsheimer

والترز معتقد است دولت‌ها در مواجهه با قدرت‌های توسعه‌طلب به منظور دفع قدرت در برابر آن دست به توازن قوا می‌زنند (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۴). او بر این امر تأکید دارد که، توازن قوا باعث ثبات در منطقه و نظام بین‌الملل می‌شود. اگرچه والترز امنیت‌جویی و هژمون‌گرایی^۱ دولت‌ها را در به‌وجود آمدن جنگ و صلح مورد توجه دارد اما رقابت قدرت‌ها در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را محور اصلی شکل‌گیری توازن قوا می‌داند (والترز، ۱۳۸۲: ۸۷). از منظر والترز رفتار دولت، نسخه‌برداری از فعالیت‌های یکدیگر می‌باشد و توزیع توانمندی‌ها که عامل تفاوت میان دولت‌ها است لازمه تأمین امنیت و بقا می‌باشد (Waltz, 1979: 76). دو اصل ضروری که از دید والترز برای تشکیل موازنه قوا اهمیت دارد، این است که ساختار نظام بین‌الملل باید آنارشیک^۲ بوده و دولت‌ها به دنبال بقا و امنیت باشند (Sheehan, 2005: 78). نظام آنارشیک باعث محدودیت در میزان همکاری در سطوح مختلف و صلاحیت‌های سازمان بین‌المللی می‌شود زیرا در این نظام، وابستگی به یکدیگر توسعه می‌یابد از این رو دولت‌ها با احتیاط در همکاری و توافق‌نامه‌ها به دنبال سود نسبی هستند (Griffiths, 1992: 83). والترز استدلال می‌کند که دولت‌ها در محیطی آنارشیک، راهبرد موازنه را برمی‌گزینند و از سیاست همراهی^۳ و دنباله‌روی دور می‌شوند چرا که هیچ قدرتی وجود ندارد که برای بقا و امنیت خود به آن روی آورند چون که سیاست همراهی از قدرت‌های هژمون، همواره یک تهدید محسوب می‌شود (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹). لذا دولت‌های ضعیف از یک‌سو از طریق اختصاص منابع جدید در سطح داخلی و از سوی دیگر با اتحادها و توافقی‌هایی در حوزه‌های مختلف در سطح خارجی دست به موازنه می‌زنند.

از دید والترز، امنیت‌جویی در اولویت دولت‌ها قرار دارد و قدرت هم برای دستیابی به امنیت لازم است. اگر دولت‌ها امنیت‌شان تهدید شود از قدرت تاحدودی صرف‌نظر می‌کنند. بر این اساس، دولت در مواجهه با قدرت برتر، با

-
1. Hegemony
 2. Anarchic
 3. Accompanying

تشکیل ائتلاف در برابر آن دست به موازنه می‌زند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۲۹). با وجود اینکه تبیین‌های نوواقع‌گرایی والتز معطوف به موازنه قوا بود، شاگرد وی، استفان والت با تأکید بر مفروضات نوواقع‌گرایی، بر اهمیت موازنه تهدید^۱ تأکید داشت. از نظر وی دولت‌ها در برابر تهدیدات که شامل نیات تجاوزکارانه و توانمندی‌های نظامی می‌باشد، دست به موازنه‌سازی می‌زنند پس توانمندی‌های خارجی، لازمه موازنه‌سازی نیستند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). به عبارتی دیگر، بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قوا تأکید دارد. در واقع دولت‌ها در مقابل قدرت تهدیدگر دست به موازنه می‌زنند یعنی کشورها برای ثبات، امنیت و حفظ وضع موجود، به اتخاذ سیاست موازنه در مقابل قدرت‌های متجاوز روی می‌آورند. لذا هر تلاش یک دولت برای افزایش قدرت خود، برای سایر بازیگران، تهدید محسوب می‌گردد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷). بنابراین از منظر والت برداشت‌ها و تصورات دولت‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید در روابط میان دولت‌ها، حائز اهمیت است. دولت‌ها زمانی که موجودیت و منافع آن‌ها مورد تهدید واقع می‌گردد دست به موازنه می‌زنند. هنجارسازی رفتار موازنه، منجر به افزایش امنیت در نظام بین‌الملل می‌شود و دولت‌ها با ایجاد ائتلاف در برابر دولت تهدیدگر به بازداشتن آن می‌پردازند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

والت و والتز با تأکید بر رابطه میان آنارشیک و رفتار دولت‌ها، توجه کمتری به استراتژی موازنه داشته‌اند اما میرشایمر با ارائه تعریف متفاوتی از موازنه قوا، تمرکز خود را بر رفتار موازنه و موازنه‌سازی به عنوان یک رویکرد رفتاری قرار داده است (چگینی زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۳). میرشایمر مدعی است که محیط بین‌الملل آنارشیک منجر به انگیزه دولت‌ها به افزایش قدرت می‌شود لذا دولت‌ها با اتخاذ راهبردهای تهاجمی با هدف افزایش قدرت و نفوذ خود، زمینه آسیب به دیگران را فراهم می‌کنند. از نظر وی امنیت و بقا در نظام بین‌الملل، زمانی میسر است که دولت‌ها در پی افزایش منافع و قدرت خود باشند. به نظر میرشایمر محیط آنارشیک بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی و نامشخص بودن نیات دشمن، دلایل

اصلی قدرت طلبی دولت‌ها می‌باشند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۲). دولت‌ها برای امنیت خویش، دست یافتن به قدرت منطقه‌ای و جهانی را، اولویت سیاست خارجی خود قرار داده‌اند در غیر این صورت دولت‌ها می‌کوشند برای مقابله با تهدیدات، ثروت و توانمندی‌های نظامی خود را به حداکثر برسانند. دولت‌ها برای دستیابی به اهداف و منابع قدرت، تنش میان دولت‌ها و درگیر ساختن رقبا به جنگ‌های طولانی را در دستور کار قرار داده‌اند (گریفیتس، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۲). قدرت‌ها برای جلوگیری از هژمون‌گرایی سایر دولت‌ها از طریق واگذاری مسئولیت به دیگری یا اتخاذ توازن توسط خود، به مقابله با تهدیدات می‌پردازند.

به عقیده میرشایمر، در نظام بین‌الملل، دستیابی دولت‌ها به هژمون جهانی امکان‌پذیر نمی‌باشد از این رو دولت‌ها چیرگی به مناطق حساس و راهبردی را در دستور کار سیاست خود قرار داده‌اند. دستیابی به قدرت چیرگی به این مناطق، کسب هژمونی مناطق دیگر را فراهم می‌کند و در همین راستا دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که قدرت آن‌ها در حال افزایش است، دست به موازنه منطقه‌ای خواهند زد. از نظر وی، زمانی می‌توان نقش قدرت‌های توازن‌بخش فرامنطقه‌ای را در این بازی لحاظ کرد که، فشار سیستمیک منطقه‌ای برای جلوگیری از قدرت ظهور منطقه‌ای، ناتوان باشد (چگینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۵۷-۲۳۶). قدرت‌های بزرگ با کنترل محیط و توزیع مطلوب توانمندی‌ها نقش مهمی در توازن منطقه‌ای ایفا می‌کنند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵). در یک نگاه کلی، در شرایط حاضر هریک از نظریه‌های نواقع‌گرایی موازنه قوا در عین کارآمد بودن توانایی تبیین و توضیحی از الگوهای رفتاری در سیاست بین‌الملل را دارا نیستند: نظام بین‌الملل شاهد الگوهای رفتاری متنوعی، مرکب از الگوهای همکاری‌جویانه تا الگوی منازعه‌آمیز از سوی هریک از بازیگران برای ایجاد موازنه قدرت می‌باشد لذا رهیافت‌های گوناگون نواقع‌گرایی مانند؛ نواقع‌گرایی تهاجمی^۱ جان میرشایمر و تدافعی استفان والت، همزمان مورد توجه بازیگران و تحلیل‌گران است. بر این اساس در این پژوهش از نظریه‌های موازنه قوا نواقع‌گراییانه اندیشمندانی چون والتز، میرشایمر و والت

برای تبیین موضوع استفاده شده است. بنابراین می‌توان بیان داشت که ساختار نظام آنارشیک بین‌الملل، روسیه، اسرائیل و ایران را به موازنه‌سازی در برابر قدرت و تهدید دیگران واداشته است. افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌ویژه در تحولات خاورمیانه و برنامه هسته‌ای، موجبات بیم و تهدید را برای اسرائیل فراهم آورده است. تهدیدات نیابتی اسرائیل از سوی آمریکا علیه ایران در منطقه و نظام بین‌الملل، منافع ایران را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. اگر بنا را بر فهم روابط از منظر کنت والتز و استفان والت بگذاریم، مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو بازیگر برمی‌گزیند؛ همچنین در قالب منطق نظری میرشایمر، ساختارهای هژمون منطقه‌ای اهمیت داشته و از این رو رفتار منطقه‌ای ایران و اسرائیل و روسیه و عکس‌العمل‌های آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین رابطه، رقابت ایران و اسرائیل جهت دستیابی به عمق استراتژیک منطقه، زمینه سیاست موازنه‌سازی را فراهم آورده تا از ظهور هژمون منطقه‌ای جلوگیری کنند؛ اما واقعیت این است که الگوی رفتاری روسیه در قبال دو بازیگر ایران و اسرائیل، موازنه قدرت بوده است و محدودیت‌هایی را برای اهداف و منافع ایران و اسرائیل در جهت حفظ توازن ایجاد کرده است. بنابراین پژوهش حاضر، درصدد است تا در چارچوب نظری موازنه قوا در مکتب نوواقع‌گرایی، به تبیین و تحلیل الگوی رفتاری روسیه در قبال این دو بازیگر بپردازد.

۲. تحلیل توسعه روابط راهبردی روسیه و اسرائیل

روسیه و اسرائیل با تأکید بر پیوندهای تاریخی و منافع مشترک، به تعمیق سطح روابط دوجانبه خود در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. نقطه عطف نزدیکی روسیه و اسرائیل، نقش مهم اتحاد جماهیر شوروی^۱ در تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بوده است و سهم قاطع یهودیان روسی در پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم، زمینه حمایت دیپلماتیک شوروی از تأسیس اسرائیل را فراهم کرد (Бочаров, 2013: 25). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مهاجرت یهودیان روسی،

زمینه را برای نزدیکی مسکو و تل‌آویو در ابعاد مختلف فراهم آورد تا آنجا که مهاجران روسی نه تنها باعث گسترش همکاری شدند بلکه تأثیر مثبتی بر اقتصاد و فرهنگ اسرائیل داشتند به طوری که دوسوم از مهاجران، تحصیلات عالی و بیش از ۱۰ درصد آن‌ها دارای مدرک مهندسی بوده‌اند (Федорченко, 2016: 248). بر همین مبنا است که زبان روسی ضمن استفاده در نهادهای دولتی، به عنوان زبان سوم در آکادمیک اسرائیل تدریس می‌شود (Moshkova, 2018: 387-388). امروزه مهاجران روسی بیش از ۱۵ درصد از رأی‌دهندگان اسرائیل را تشکیل می‌دهند (Averbukh & Klein, 2018: 2). گرچه اسرائیل به طور سنتی متحد آمریکا است و به لحاظ پیشینه تاریخی، ارزش‌ها و فرهنگ مشترک و نیز شاخصه‌های منافع استراتژیک مشترک، متحد منحصر به فرد آمریکا به حساب می‌آید (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۸-۵۱)؛ اما پیش از آن به دلیل حضور در منطقه روسیه، بسیاری از رسوم و سنت‌های یهودیان در این منطقه شکل گرفته است. یهودیان روسیه از یهودیان اشکنازی، قرائی، بخاری و گرجی تشکیل شده‌اند. اولین حضور یهودیان در غرب روسیه در قرن ۷ تا ۱۴ میلادی بود. برخی از اشتراکات و همکاری‌های میان روسیه و اسرائیل عبارتند از:

- اشتراک دیدگاه روسیه و اسرائیل درباره نتایج جنگ دوم جهانی، دوطرف را به یکدیگر نزدیک کرده و عامل اصلی توسعه روابط دوجانبه شده است.
- روسیه و اسرائیل ارزش‌های مشترک در مورد آنتی‌سمیتیسم^۱ (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۶۳) و شکستن محاصره لنینگراد در جنگ دوم جهانی و آزادسازی آشویتس اتفاق نظر دارند.
- شوروی در اولین جنگ اعراب-اسرائیل از طریق چکسلواکی کمک‌های تسلیحاتی نظامی به تل‌آویو اعطا کرد^(۱).
- بنای یادبود سربازان ارتش سرخ در شهر ناتان در فلسطین اشغالی به عنوان یک واقعه منحصر به فردی است که در هیچ کشوری پس از فروپاشی شوروی برای سرباز ارتش سرخ بنای یادبود ایجاد نشده است.

- با احیای روابط دیپلماتیک اتحاد شوروی و اسرائیل در سال ۱۹۹۱، که پس از جنگ شش‌روزه در سال ۱۹۶۷ قطع شده بود، اسرائیل متحد غیررسمی مسکو در خاورمیانه بوده است.

- روسیه در اعلان طرح نقشه راه با مشارکت در بیانیه ۱۶ جولای و ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۳ از آن استقبال نمود (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

- حضور یهودیان روس تبار حدود ۱,۲ میلیون نفر در اسرائیل توسعه همکاری‌های تل‌آویو با مسکو را در عرصه‌های مختلف از جمله نظامی و اقتصادی هماهنگ می‌کنند.

- اصل عدم‌مداخله اسرائیل در درگیری‌های سوریه و همچنین صرف‌نظر از خط‌مشی تغییر دولت بشار اسد، تا حد زیادی برای مسکو به‌عنوان تضمین تلقی می‌شود.

- اسرائیل در نوع روابط خود با برخی مخالفان مسکو از جمله لهستان و اوکراین، پایبند است.

- فناوری پیشرفته صهیونیست‌ها فرصتی را فراهم می‌کند تا مسکو برخی ضعف‌های تسلیحاتی خود را جبران کند.

علاوه بر آن، لابی‌های یهود^۱ روسی در اسرائیل و روسیه، نقش مهمی در نزدیکی مسکو-تل‌آویو ایفا کرده‌اند. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ سازمان‌های یهودی در روسیه، تأثیر قابل‌توجهی بر سیاست خارجی مسکو در قبال اسرائیل داشته‌اند. کنگره یهودیان روسیه^۲، کنگره سازمان‌ها و جوامع یهودی در روسیه^۳، فدراسیون جوامع یهودی روسیه^۴ (Екатерина, 2003: 91). مرکز جامع یهودیان مسکو^۵، مرکز فرهنگی یهود^۶ و غیره، توانسته‌اند با انسجام درونی، سیاست خارجی روسیه را در

1. Jewish lobbies

2. Russian Jewish Congress

3. Congress of Jewish Organizations and Communities in Russia

4. Federation of Russian Jewish Communities

5. Moscow Comprehensive Jewish Center

6. Jewish Cultural Center

مسائل موردنظر خود برای چند دهه تحت کنترل خود قرار دهند) (Елишев, 2013: 174). این سازمان‌ها به دلیل حمایت از دولت پوتین، از نفوذ زیادی در روسیه برخوردار هستند و به کمک این سازمان‌های بزرگ یهودی، بسیاری از مجلات و روزنامه‌های یهودی نظیر رودنیک^۱ در روسیه منتشر می‌شود (Джаббаринасир, 2020: 59). همچنین، گروه‌های ذی نفوذ و نمایندگان روسی در اسرائیل با لابی‌گری توانسته‌اند ضمن حل مشکلات یهودیان روسی در اسرائیل، با تصویب قوانین نظیر سفر بدون ویزا بین اتباع مسکو-تل‌آویو در کنست^۲، نقش مهمی در نزدیکی آنها ایفا کرده‌اند (Бочаров, 2013: 25). نگرش مثبت میان نخبگان سیاسی روسیه و اسرائیل در تعامل با یکدیگر، تأثیر قابل توجهی در گسترش روابط مسکو-تل‌آویو^۳ داشته است به گونه‌ای که ریشه‌های خانواده بسیاری از نخست‌وزیران و نظامی‌های اسرائیل تا به امروز، در قلمرو امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد. (Averbukh & Klein, 2018: 2). به طوری که در اولین انتخابات کنست در سال ۱۹۴۹، بیش از نیمی از نمایندگان، متولد قلمرو شوروی بوده‌اند (Бочаров, 2013: 25). همچنین، این نگرش مثبت در نخبگان سیاسی روسیه در قبال اسرائیل، قابل مشاهده می‌باشد به طوری که پوتین از زمان ورود به کاخ کرملین^۴، خود را به عنوان حافظ و پشتیبان امنیت یهود در روسیه و اروپا معرفی کرده بود. نگرش مثبت نخبگان سیاسی روسیه در قبال اسرائیل، تأثیر قابل توجهی بر نگرش مردم داشته است، به طوری که در نظرسنجی از مردم در پاسخ به این سؤال در سال ۲۰۱۷، تقریباً ۵۷ درصد از مردمان روسیه نگاه مثبتی به تعامل با اسرائیل داشتند (Averbukh & Klein, 2018: 2).

همکاری‌های اقتصادی، تجاری و صنعتی روسیه و اسرائیل نیز، زمینه‌ای را برای نزدیکی و گسترش روابط دو دولت فراهم کرده است (کولایی، ۱۳۸۱: ۳۵). به گونه‌ای که اسرائیل به طور عمده ماشین‌آلات، تجهیزات ترابری و شیمیایی و

-
1. Rudnik
 2. Knesset
 3. Moscow-Tel Aviv
 4. Kremlin Palace

محصولات کشاورزی را به روسیه صادر می‌کند و واردات اسرائیل از روسیه بیشتر حول محور نفت خام، سنگ‌های زینتی و فلزات می‌باشد (Averbukh & Klein, 2018: 6-8). از طرفی با کشف میادین نفتی در سواحل اسرائیل و عدم تجربه کافی اسرائیل برای استخراج در این منطقه، همکاری دو دولت در زمینه انرژی، گسترش یافت. همچنین، محصولات و فناوری‌های فضایی شرکت‌های روسی، توجه شرکت‌های اسرائیلی را به خود جلب کرد به طوری که در سال‌های اخیر توافق‌نامه‌هایی در خصوص اکتشاف فضا بین مسکو- تل‌آویو بسته شده است (Марьясис, 2017: 131). پروژه‌های سرمایه‌گذاری در زمینه نانو و داروسازی، فناوری‌های نوین کشاورزی، روسیه و اسرائیل را به توسعه روابط تجاری و اقتصادی سوق داده است.

یکی دیگر از عوامل نزدیکی مسکو و تل‌آویو، همکاری‌های سیاسی و امنیتی در زمینه‌های مبارزه با افراط‌گرایی^۲ و تروریسم^۳ در منطقه است. این همکاری ناشی از جمعیت ۲۰ میلیونی مسلمان روسیه و تهدیدات بالقوه بنیادگرایی اسلامی^۴ بر دولت بوده است (کیانی، ۱۳۸۷: ۳۷۸-۳۷۵). بر همین مبنای سرویس‌های اطلاعاتی روسیه و اسرائیل در چند دهه اخیر، آموزش‌های نظامی و مانورهای مشترک به نمایش گذاشتند (رومی، ۱۳۹۶: ۵۳). فروش پهپادهای بدون سرنشین اسرائیل به روسیه به منظور کنترل و نظارت بر چچن، نمونه‌ای از این همکاری بوده است (Kazoux, 2008: 5). در سال‌های اخیر نیز، هماهنگی‌های سیاسی و امنیتی آنها در بحران سوریه افزایش یافته است (رومی، ۱۳۹۶: ۵۹).

رهبران روسیه در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه در حل و فصل اختلافات با آمریکا، اهمیت ویژه‌ای برای اسرائیل قائلند زیرا روسیه بر این امر واقف است که لابی‌های قدرتمند یهودی می‌توانند نقش مهمی بر روند کاهش تحریم‌های آمریکا ایفا کنند و اسرائیل می‌داند که برای تضمین امنیت خود در

-
1. Energy
 2. Extremism
 3. Terrorism
 4. Islamic fundamentalism

منطقه، به نقش فرمانطقه‌ای روسیه نیاز دارد لذا تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه مسکو و اوضاع وخیم اقتصادی روسیه در نظام بین‌الملل فرصتی را به اسرائیل داده که از آن به‌عنوان برگ برنده در نزدیکی راهبردی با روسیه استفاده کند. از سوی دیگر اسرائیل به دلیل نبود بازار کافی در منطقه در ارسال محصولات خود، بازار روسیه را مورد توجه قرار داده است؛ از این رو نیاز اسرائیل و روسیه به یکدیگر در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تاکنون نقش مهمی در تقویت مناسبات آنها داشته است.

۲-۱. موانع همکاری اسرائیل و روسیه

اسرائیل و روسیه با وجود مناسبات گسترده و پیوندهای عمیق تاریخی، نتوانسته‌اند نوعی اتحاد استراتژیک را بین خود به‌وجود بیاورند. مهم‌ترین مانع توسعه روابط روسیه و اسرائیل، متأثر از روابط مسکو با تهران است. اسرائیل همواره ایران را به عنوان تهدید موجودیت خود در منطقه در نظر می‌گیرد. اسرائیل بارها از همکاری سیاسی و نظامی ایران و روسیه در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در قضایای هسته‌ای و بحران سوریه ابراز نگرانی کرده است. به‌طوری‌که توسعه همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه در اوایل قرن ۲۱، تاجایی پیش رفت که نخبگان اسرائیل رابطه با مسکو را یک بازی احمقانه تلقی می‌کردند (Kazoux, 2008: 8). همکاری روسیه با جبهه مقاومت و حکومت خودگردان فلسطین، از دیگر موانعی است که روابط مسکو-تل‌آویو را تحت‌الشعاع قرار داده است. افزایش نقش حماس در فلسطین و تمایل روسیه به همکاری با این جنبش، سبب تعجب و نگرانی رهبران اسرائیلی شده است (کولایی، ۱۳۹۲: ۳۲۷) به‌گونه‌ای که در دیدار رهبران حماس با مقامات روسیه در ۲ مارس ۲۰۲۰، وزیر خارجه روسیه لاوروف، ضمن مخالفت با طرح معامله قرن، بر ادامه همکاری‌ها و رایزنی‌ها تأکید کرد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸). همچنین، همکاری‌های نظامی روسیه و حزب‌الله در دمشق و لاذقیه، پیامدهای بسیار منفی برای منافع اسرائیل در سوریه داشته است (Бармин, 2018: 4).

اسرائیل همچنان از روابط نزدیک روسیه با حکومت خودگردان فلسطین، ابراز نارضایتی کرده است. روسیه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳، حدود ۴۰ میلیون دلار هزینه‌های بودجه حکومت خودگردان فلسطین را تأمین کرده و سالانه بودجه‌ای برای آموزش دانشجویان فلسطینی در دانشگاه‌های مسکو اختصاص داده است. از طرفی دیگر، موانع روسیه در سازمان ملل به‌ویژه در قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۸۸، ۱۳۹۷ و ۱۵۱۵ شورای امنیت با منافع اسرائیل در منطقه ناهمپوشانی دارد (Джаббаринасир, 2020: 59). لذا هرگونه روابط روسیه با این گروه‌ها، روابط روسیه و اسرائیل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

اتحاد استراتژیک اسرائیل با آمریکا و حضور در جبهه مخالف روسیه، به یک عامل منفی در توسعه روابط مسکو-تل‌آویو تبدیل شده است. حفظ امنیت اسرائیل، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه است. روسیه و آمریکا یکدیگر را به عنوان تهدید جدی منافع خود در نظام بین‌الملل تلقی می‌کنند. از این رو نوعی بی‌اعتمادی در روابط روسیه با اسرائیل وجود دارد. به‌طوری‌که بعد از وقوع بحران اوکراین، روابط روسیه و اسرائیل به‌دلیل حمایت‌های تسلیحاتی اسرائیل و آمریکا به گروه‌های ضدروسی، بسیار محدود شده است (Averbukn & Klein, 2018: 5-7). در یک نگاه کلی، روسیه در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای خود به برقراری روابط با همه کشورهای منطقه پرداخته است و اسرائیل بر این امر واقف است که روابط راهبردی‌اش با آمریکا، با سیاست روسیه در خاورمیانه در تضاد است. از این رو، قرار گرفتن اسرائیل و روسیه در دو محور رقیب، تأثیرات بسیار منفی بر روابط آن‌ها داشته است و از طرف دیگر، با افزایش نفوذ سیاسی اسرائیل در تحولات اخیر اوکراین و رویکردهای متعارض دوطرف، این احتمال وجود دارد که روابط روسیه و اسرائیل در آینده به سردی سوق یابد که در این صورت، امکان توسعه فزاینده روابط روسیه با کشورهای ضداسرائیل وجود دارد.

۳. عوامل توسعه همکاری ایران و روسیه

ایران و روسیه با تأکید بر منافع مشترک، به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم

روابط دوجانبه خود در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. یکی از عوامل نزدیکی دو کشور را می‌توان نوع نگاه به شرق نخبگان و رؤسای جمهور دوطرف نام برد. هم در دوره اتحاد جماهیر شوروی و هم پس از آن، طرفین روابط متقابل خود را مشتق روابط خود با غرب می‌دانستند به طوری که سیطره نگرش نگاه به شرق در دوره ریاست جمهوری پوتین و احمدی‌نژاد، موجبات توسعه روابط و همکاری نزدیک را فراهم کرده بود (Свешникова, 2018: 150). چنان‌که در این دوره با وجود سطح مناسبات عالی دیپلماتیک، قراردادهایی در زمینه انرژی هسته‌ای، حوزه دریای خزر، توسعه میدین گازی ایران، ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و تأمین سیستم دفاعی کشور ایران بین دو کشور صورت گرفت (Мирван, 2011: 107). مهم‌ترین عامل نزدیکی و توسعه روابط ایران و روسیه، مقابله با نفوذ و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده آمریکا در حیط خلوت این دو بازیگر است. در این راستا، قضیه اوکراین و گرجستان و تلاش‌های آمریکا برای رهایی سلطه کرملین در این کشورها از یک‌سو و تنش‌های ایران با آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای خود از سوی دیگر، نشان داد که مقابله با آمریکا نقش بسزایی در روابط دو کشور داشته است (Юлдашева, 2014: 129). زیرا روسیه تنها راه فشار به آمریکا را، همکاری با کشورهای ضدمنافع خود به‌ویژه ایران می‌داند و از طرف دیگر ایران در راستای کاهش فشارهای بین‌المللی خود در قضیه هسته‌ای، روسیه را مورد توجه قرار داده است. لذا تنش‌های شدید ایران و روسیه با آمریکا در این دوره زمانی، باعث عدم همراهی روسیه با تحریم‌های آمریکا علیه ایران و همکاری‌های گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی دوطرف شده است. به طوری که در سال ۲۰۱۴ رئیس جمهور آذربایجان در سفر خود به تهران با هدف دور زدن روسیه، به دنبال انتقال گاز ایران به اروپا بود، ایران با بیان اینکه هیچ قراردادی با اروپا بدون هماهنگی روسیه انجام نمی‌شود، این درخواست را رد کرد (Долгова, 2015: 79).

مهم‌ترین همپوشانی منافع و همسویی با مقابله با آمریکا در طول سال‌های

اخیر، بحران سوریه^۱ بوده است. به طوری که تهدیدات ناشی از حضور آمریکا در تحولات سوریه برای ایران و روسیه و تمایل دو کشور به حمایت از بشار اسد^۲ در راستای منافع و اهداف خود، باعث قرار گرفتن آن‌ها در یک محور و ائتلاف به منظور مقابله با محور رقیب به رهبری آمریکا شده است. به طوری که ایران به روسیه اجازه داد تا از نیروگاه هوایی همدان برای اقدامات نظامی در خاک سوریه استفاده کند. این سطح از همکاری نظامی برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی برای ایران اتفاق افتاده بود. همچنین، وزیر امور خارجه روسیه لاوروف، در سال ۲۰۱۸ اظهار داشت که توقع قدرت‌های غربی برای خروج ایران در سوریه امری غیرواقعی است (Грушин, 2019: 11). لذا بحران سوریه بستر مناسبی را فراهم کرده تا ایران و روسیه به گسترش همکاری خود در ابعاد مختلف پردازند.

همکاری اقتصادی و تجاری دو کشور در زمینه‌های انرژی، نفت و گاز، کشاورزی و صنایع، عامل دیگری در گسترش روابط ایران و روسیه است. توافق در زمینه انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۹۲ تاریخ آغاز روابط اقتصادی دو کشور بوده است؛ توافقی که زمینه ساخت نیروگاه راکتور هسته‌ای و مراکز آموزشی در ایران شده است (Чекушкин, 2006: 67) به طوری که در سال ۲۰۱۶ اولین نیروگاه هسته‌ای توسط مسکو برای بهره‌برداری به ایران تحویل داده شد. همچنین، در نوامبر ۲۰۱۴، قراردادی برای ساخت واحد ۲ و ۳ نیروگاه بوشهر بین ایران و روسیه به امضا رسید (جهانبخش و حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۱۹۹). براساس گزارش نهاد comtrade سازمان ملل، روسیه بین ۱۰ شریک بزرگ ایران در حوزه تجارت خارجی در جایگاه پنجم قرار دارد به طوری که حجم بازرگانی ایران و روسیه در سال‌های اخیر رشد مثبتی داشته است. از طرفی دیگر پروژه‌های سرمایه‌گذاری در زمینه تولید واگن، استخراج محصولات نفتی، ساخت خط‌آهن و محصولات کشاورزی در نزدیک شدن دو کشور مفید بوده است (economic.mfa, 2019). مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و تلاش‌های مشترک برای برقراری ثبات و امنیت در منطقه، نقش

1. Syria Crisis

2. Bashar al-Assad

قابل توجهی در نزدیکی دو کشور داشته است. همکاری مشترک در مسأله افغانستان، حل مناقشات داخلی تاجیکستان و بحران سوریه در سال‌های اخیر، موجبات توسعه روابط دو کشور را فراهم کرده است (Ивашенцов, 2005: 113). به طوری که دو کشور به منظور مقابله با تهدیدات داعش^۱، یک مرکز هماهنگی در بغداد ایجاد کرده‌اند (Клепиков, 2016: 46). همکاری نظامی و تسلیحاتی، یکی دیگر از عرصه‌های همکاری دو کشور بعد از فروپاشی اتحاد شوروی بوده است. تنش‌های منطقه‌ای ایران با عربستان و اسرائیل این همکاری‌ها را بیش از پیش افزایش داده است.

با توجه به مخالفت‌های غرب با روسیه برای تحویل اس ۲۳۰۰ به ایران در سال ۲۰۱۲، روسیه حکم لغو ممنوعیت یک سال تجهیزات نظامی به ایران را امضا کرد و بر همین اساس در سال ۲۰۱۶ روسیه اس ۳۰۰ را به ارتش ایران تحویل داد (Трушин, 2019: 13). ایران و روسیه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی روابط عمیق تاریخی دارند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بخش اعظم روابط روسیه و ایران تحت تأثیر رفتار و سیاست‌های آمریکا بوده است به طوری که تهدیدات ناشی از محور غرب به رهبری آمریکا در بحران سوریه و تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و روسیه روابط دو کشور را بیش از گذشته به یکدیگر نزدیک کرده است. لذا مقابله با آمریکا بیش از هر عامل دیگر در نزدیکی دو کشور دخیل بوده و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرای آمریکا در سال‌های اخیر، تقابل با آمریکا را به عنصر مهم در توسعه روابط تهران-مسکو تبدیل کرده است.

۳-۱. موانع همکاری ایران و روسیه

با وجود داشتن همکاری نزدیک ایران و روسیه در سال‌های اخیر، موانع و تضادهای منافع بر آینده روابط دو کشور سایه افکنده است. مهم‌ترین عامل محدود نگاه داشتن گسترش روابط ایران و روسیه، متأثر از تمایل همکاری آن‌ها با آمریکا است. روسیه در راستای کاهش تحریم‌های غرب علیه خود و دستیابی به هژمونی

1. Islamic State of Iraq and the Levant

2. S300

منطقه، حل و فصل اختلافات با آمریکا را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. لذا همکاری روسیه و آمریکا در معادلات منطقه، زمینه را برای تضعیف شدن روابط مسکو-تهران فراهم می‌کند. موافقت‌نامه گور-چرنومردین^۱ و تحریم‌های روسیه در دوران ریاست جمهوری مدودف^۲ علیه ایران، نمونه‌ای از تأثیر آمریکا به تغییر رویکرد روسیه به نزدیکی با ایران است (دهقانی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۷). از طرفی بهبود روابط ایران و آمریکا، توسعه روابط ایران و روسیه را محدود می‌کند. به طوری که تمایل همکاری آمریکا با ایران در سال ۲۰۱۵ به منظور رها کردن روسیه از بازارهای گاز اروپا، چالش‌های اقتصادی در روابط دو کشور به وجود آورد (Долгова, 2015: 79).

یکی دیگر از موانع نزدیکی ایران و روسیه، تعارض منافع و ناهم‌سویی در سیاست خارجی آن‌ها نسبت به مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران و روسیه در خصوص تقسیم بستر دریای خزر و بهره‌برداری از ذخایر نفتی با یکدیگر اختلاف و ناهم‌پوشانی منافع داشته‌اند (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶: ۴۸). اگرچه پس از ۲۱ سال مذاکره در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر توسط پنج کشور در نشست آکائو قزاقستان^۳ به امضا رسید (یزدان‌پناه و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳۸). به طوری که در این نشست ضمن عدم توجه به منافع ژئوپلیتیک^۴ ایران، بسیاری از مسائل مورد اختلاف میان ایران و روسیه حل نشده است.

دستیابی روسیه به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت و گاز اروپا و رقابت با ایران در این زمینه، موجبات تضعیف همزیستی سازنده دو کشور را فراهم کرده است (Ибрагимов, 2019: 899). روسیه می‌داند که هم ایران تمایل به افزایش صادرات نفت و گاز به اروپا دارد و هم آمریکا برنامه‌هایی برای تأمین گازهای

-
1. Gore-Chernomyrdin Agreement
 2. Medvedev
 3. Kazakhstan Aktau Summit
 4. Geopolitics

شیل^۱ به اروپا به میزان ۸۰ میلیارد مترمکعب تا سال ۲۰۲۰ را دارد. لذا برنامه‌های ایران برای افزایش سهم خود در بازار گاز اروپا، تهدید جدی برای روسیه در آینده به حساب می‌آید (Жильцов, 2016: 637). از این رو روسیه با عدم وتو^۲ در تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران در سال‌های اخیر، ضمن چالش‌هایی برای صادرات نفت ایران، واردات خود را به مشتریان اصلی ایران افزایش داده است. همچنین، روسیه در سال ۲۰۱۷ مانع تحقق ایجاد بندر نفت و گاز توسط ایران در شهر طرطوس^۳ سوریه شد (مبید، ۱۳۹۸). همکاری روسیه با کشورهای مخالف ایران در خاورمیانه نظیر اسرائیل و عربستان، تأثیرات منفی جدی بر روابط ایران و روسیه داشته است. وابسته بودن عربستان و اسرائیل به روسیه در منطقه و صحنه‌های بین‌المللی و بالعکس، زمینه توسعه روابط و نزدیکی با یکدیگر را فراهم کرده است. به طوری که در سال‌های اخیر، عربستان و روسیه در زمینه انرژی و تسلیحات نظامی و حل بحران سوریه به همکاری و هماهنگی سیاسی با یکدیگر پرداخته‌اند. از این رو دو کشور موانعی برای اهداف و منافع ایران در منطقه ایجاد کرده‌اند (Frolovskiy, 2018: 87-89). همان‌طور که در بخش قبلی به طور کامل شرح داده شده است، پیوندهای عمیق تاریخی، سیاسی و نظامی اسرائیل و روسیه، محدودیت‌هایی را برای روابط ایران و روسیه به وجود آورده است.

تقویت و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، موجب تعدیل همکاری راهبردی روسیه با ایران شده است. روسیه نسبت به هژمونی ایران در این مناطق و متعاقباً به حاشیه رفتن جایگاه خود در هراس است. در راستای غلبه بر این نگرانی‌ها، روسیه طی سه دهه اخیر با ابزارهای دیپلماتیک^۴ سعی در جلوگیری از قدرت هسته‌ای ایران کرده است. روسیه می‌داند ظهور قدرت هسته‌ای ایران، زمینه نفوذ و ترویج انقلاب اسلامی ایران در این کشورها می‌شود (Трушин, 2019: 6-8). در واکاوی روابط ایران و روسیه، تضاد منافع در

1. Shale gases
2. veto
3. City of Tartus
4. Diplomatic

سیاست‌های اوراسیایی یکدیگر و عدم چارچوب مشخص برای تعامل با آمریکا، دو مانع اصلی بر سر راه توسعه روابط دو کشور بوده است. تقویت جبهه مقاومت به رهبری ایران در سوریه و هراس روسیه نسبت به جایگاه خود در آینده سوریه، روابط دو کشور را از همزیستی مثبت به ناهمپوشانی منافع سوق داده است. به‌طوری‌که در سال‌های اخیر، روسیه با وارد کردن کشورهای متخاصم ایران در حل بحران سوریه، نوعی محدودیت در روابط دو کشور را به‌وجود آورده است.

۴. الگوی رفتاری موازنه قوای روسیه در قبال ایران و اسرائیل

پیوندهای عمیق تاریخی روسیه و اسرائیل و مناسبات دیپلماتیک گسترده دو بازیگر در سال‌های اخیر، نزدیکی استراتژیک با روسیه در دستور کار سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفت. نقش فرامنطقه‌ای روسیه در تحولات خاورمیانه، نقش مهمی در روند توسعه روابط آنها داشته است. ازسوی دیگر تهدیدات ناشی از حضور آمریکا در خاورمیانه، افق‌های جدیدی در روابط دو کشور به‌وجود آورد. با افزایش تنش‌ها میان ایران و آمریکا و تحریم‌های شدید غرب علیه ایران، نزدیکی با مسکو در اولویت قرار گرفت. لذا مناسبات گسترده مسکو با اسرائیل و ایران باعث شده که مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو بازیگر برگزیند.

اولین ویژگی الگوی رفتاری توازن قوای روسیه در قبال اسرائیل و ایران، ترویج این اعتقاد که، دو بازیگر در جهت موازنه‌سازی در برابر تهدیدات یکدیگر به روسیه نیاز دارند. با افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه و تهدید اسرائیل ازسوی این کشور، این تصور را در نظام حکومتی اسرائیل به‌وجود آورد که آمریکا نمی‌تواند به‌طور کامل منافع اسرائیل را تضمین کند. از این رو، اسرائیل در برابر مقابله با تهدیدات و قدرت ایران، روسیه را مورد توجه قرار داده است. تمامی دیدارهای رهبران اسرائیل و روسیه در سال‌های اخیر حول محور موضوع توافق هسته‌ای ایران و بحران سوریه بوده است (Barmin, 2018: 1). به‌طوری‌که قبل از مداخله نظامی روسیه در سوریه توافق‌هایی میان مقامات اسرائیل و روسیه در خصوص نیروهای ایرانی در سوریه صورت گرفت (رومی، ۱۳۹۶: ۵۶).

همچنین، در دیدار پوتین در پنجمین نشست جهانی هولوکاست^۱ در ژانویه ۲۰۲۰ در تل‌آویو، نتانیاهاو^۲ درخصوص تهدیدات ایران در سوریه و منطقه با رئیس‌جمهور روسیه به گفت‌وگو پرداخت (sputniknews, 2020). ایران نیز بر این امر واقف است که لابی قدرتمند یهودی، نقش مهمی در روند سیاست‌گذاری آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران ایفا کرده‌اند لذا تهدیدات نیابتی اسرائیل از سوی محور غرب، ایران را به همکاری با روسیه واداشته است و در سال‌های اخیر، ایران از کمک‌های سیاسی و نظامی روسیه برای حفظ محور مقاومت، تحقق برنامه هسته‌ای و عدم مداخله محور غرب در سوریه استفاده کرده است (Свешникова, 2018:164). به‌طوری‌که با خروج آمریکا از برجام^۳ به حمایت از اسرائیل، ایران همچنان به ادامه مذاکرات با روسیه پرداخته است.

ویژگی بعدی الگوی رفتاری توازن قوای روسیه، ایجاد توازن قدرت بین اسرائیل و ایران بوده است. روسیه ضمن همکاری با ایران و اسرائیل در معادلات بین‌المللی، در تلاش است که با ایجاد موانع و محدودیت برای دو بازیگر، بتواند ضمن برقراری توازن قدرت، از ظهور هژمونی آن‌ها در منطقه جلوگیری کند. در این راستا روسیه درعین همکاری در ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای ایران، با موافقت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل^۴ درخصوص برنامه هسته‌ای ایران توانسته است ضمن رضایت اسرائیل، مانع از برهم خوردن توازن شود (Трушин, 2019: 8). همچنین، یکی از دلایل عدم موفقیت قراردادهای مربوط به تکمیل تأمین سیستم‌های دفاعی اس ۳۰۰ روسیه به ایران در دوران مدودف به دلیل به خطر نیفتادن امنیت اسرائیل و حفظ توازن قوا بوده است (Джаббаринасир, 2020: 52). نکته حائزاهمیت تحویل سامانه اس ۳۰۰ به ایران نیز در سال ۲۰۱۶، نشانه‌ای برای جلوگیری از افزایش قدرت اسرائیل و حفظ بالانس قدرت بوده است (Трушин, 2019: 13). با افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران در سوریه، روسیه در راستای

-
1. World Holocaust Summit
 2. Netanyahu
 3. Joint Comprehensive Plan of Action
 4. United Nations Security Council

حفظ توازن قوا بین تهران-تل‌آویو و عدم به حاشیه رفتن جایگاهش در سوریه، ایجاد موانع و محدودیت برای ایران را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد. روسیه توانست ضمن کاهش حضور نیروهای ایرانی و پایگاه نظامی در شعاع مشخصی از مرز اسرائیل (۸۵ کیلومتر)، از ایجاد پایگاه دریایی طرطوس توسط ایران ممانعت کند (Barmin, 2018: 3-4). علاوه بر این روسیه به منظور تضعیف محور مقاومت، با کاهش حضور نیروهای ایرانی در مرزهای جنوب غربی، تاحدودی مانع از انتقال تسلیحات به لبنان شده است (murciana, 2017: 3-7). همچنین، سامانه دفاعی سوریه تحت رهبری نیروهای روسی، ممانعتی برای حملات اسرائیل به مواضع ایران ایجاد نکرده‌اند (رومی، ۱۳۹۶: ۶۰). از طرف دیگر بازسازی سوریه با مشارکت ایران، نگرانی‌هایی را برای اسرائیل و روسیه مبنی بر افزایش نفوذ ایران در سوریه به وجود آورده است. از این رو، روسیه بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در پروژه‌های حیاتی و سودآور را برای خود اختصاص داده است (Hatahet, 2019: 19-20). روسیه با مشروع دانستن حضور ایران در سوریه، تحویل اس ۳۰۰ به سوریه و مخالفت با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران توسط آمریکا در سال ۲۰۲۰ مانع از تحقق برهم خوردن توازن قوا به نفع اسرائیل شده است.

آخرین ویژگی در الگوی رفتاری توازن قوای روسیه، مدیریت تقابل تهران-تل‌آویو به نفع اهداف و منافع خود در منطقه و نظام بین‌الملل است. لذا نیاز اسرائیل به روسیه در جهت موازنه‌سازی با تهدیدات ایران، فرصتی برای مسکو در حل و فصل اختلافات با آمریکا و غرب از کانال اسرائیل بوده است (نوروزی و رومی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). روسیه نیز با استفاده از گزینه ایران در این بازی توانست از آمریکا و اسرائیل امتیازاتی را بگیرد. به طوری که اسرائیل به دلیل ترس از توسعه همکاری نظامی روسیه با ایران، ضمن عدم مشارکت در تحریم‌های ضدروسی غرب، در قضیه بحران سوریه خطوط قرمز روسیه را رعایت کرده است (Djabbarinasir, 2020: 52). در واقع الگوی رفتاری روسیه در تعامل با ایران و اسرائیل براساس توازن قوا و جلوگیری از هژمون‌گرایی هرکدام از آن‌ها در منطقه است. روسیه ضمن رد هرگونه اتحاد استراتژیک، از تقابل آن‌ها به نفع اهداف خود

مدیریت می‌کند و کرملین بر این امر واقف است که ایجاد ثبات و امنیت در منطقه، بدون توجه بر جایگاه و قدرت ایران امکان‌پذیر نیست که سطح مناسبات فعلی دو کشور در مذاکرات صلح روسیه، نشانگر این واقعیت است. روسیه می‌داند که کاهش نقش آمریکا در تحولات منطقه در سال اخیر باعث تحقق این الگوی رفتاری شده است لذا روسیه طوری بازی کرده که گسترش روابطش با ایران، به معنای دوری از اسرائیل نیست. با توجه به هژمون‌گرایی اسرائیل و ایران در منطقه، روسیه توانسته است با اتخاذ الگوی رفتاری توازن قوا، استقلال عمل استراتژیک دو بازیگر را در صحنه بین‌الملل محدود کند.

نتیجه‌گیری

دولت‌ها در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، راهبرد توازن قوا را به‌عنوان الگوی رفتاری در قبال دو متحد تاکتیکی خود اتخاذ می‌کنند. تحولات تاریخی نشان می‌دهند که الگوی رفتاری روسیه در قبال این دو بازیگر برگرفته از نظریه نواقع‌گرایانی چون والت و میرشایمر است. براساس این الگوی رفتاری، پژوهش حاضر تبیین می‌کند که راهبرد روسیه، ایران و اسرائیل، موازنه‌سازی در برابر تهدیدات است. براساس نظریه موازنه قوا، کشورها در مواقع تهدید و ترس، به الگوی رفتاری موازنه قوا و موازنه‌سازی روی می‌آورند. ایران و اسرائیل همواره یکدیگر را به‌عنوان تهدید و دشمن خود در نظام بین‌الملل در نظر می‌گیرند لذا جهت موازنه‌سازی در قبال تهدیدات یکدیگر، توسعه روابط با روسیه، در اولویت سیاست خارجی آن‌ها قرار گرفت. توسعه فزاینده برنامه هسته‌ای و نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه از یکسو و کاهش نقش آمریکا در تحولات خاورمیانه از سوی دیگر، نگرانی امنیتی را برای اسرائیل به‌وجود آورد که با حضور ایران در تحولات سوریه، کنش‌های متعارض میان دو بازیگر تشدید یافت. از این رو، اسرائیل تلاش کرده است که با همکاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه روسیه، محور ایران را تضعیف کند و از طرف دیگر تهدیدات نیابتی اسرائیل از سوی آمریکا و ائتلاف محور غرب در منطقه، باعث شده است که ایران نزدیکی با مسکو را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهد. لذا مناسبات گسترده

روسیه با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه موجب شده است که مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد درقبال این دو متحد تاکتیکی خود برگزیند.

روسیه در راستای الگوی رفتاری موازنه قوا درصدد آن است که این اعتقاد را بین این دو بازیگر ترویج دهد که حضورش در تحولات بین‌الملل به نفع آن‌ها است. لذا نیاز اسرائیل و ایران به روسیه در معادلات بین‌المللی، فرصتی را برای مسکو فراهم کرد که با اتخاذ الگوی رفتاری توازن قوا، از تلاش آن‌ها برای دستیابی به هژمونی منطقه جلوگیری کند. در این راستا، روسیه با ایجاد موانع و محدودیتی در اهداف سیاسی و نظامی دو بازیگر به‌ویژه در تحولات خاورمیانه و برنامه هسته‌ای ایران، توانسته ضمن برقراری توازن قدرت بین آن‌ها، نفوذ و هژمونی خود را در منطقه توسعه بخشد. همچنین، الگوی رفتاری موازنه قوای روسیه زمینه‌ای برای تحقق اهداف و منافع روسیه در منطقه و نظام بین‌الملل شده به‌طوری که روسیه در بازی با آمریکا در تلاش است با استفاده از مهره ایران و اسرائیل بتواند امتیازاتی از آمریکا و غرب در صحنه‌های بین‌المللی بگیرد. روسیه بر این امر واقف است که لابی یهود اسرائیل نقش مهمی در کاهش فشارهای غرب بر کرملین دارند. فارغ از انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، روسیه از طریق ایران توانسته است حضور و نفوذ آمریکا در منطقه را کاهش دهد لذا جایگاه و قدرت نقش‌آفرینی اسرائیل و ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه، نقش مهمی در تقویت مناسبات مسکو با دو بازیگر داشته است.

روسیه نیز ضمن رد هرگونه اتحاد استراتژیک با ایران و اسرائیل، به توسعه همکاری‌ها با آن‌ها پرداخته است. لذا نزدیکی تهران و تل‌آویو به مسکو باعث رعایت خطوط قرمز روسیه توسط این دو بازیگر در تحولات بین‌المللی شده است. به‌طوری که توازن‌سازی روسیه، از نقش‌آفرینی آن‌ها در مناطق تحت هژمونی مسکو به‌ویژه سوریه جلوگیری کرده است. بنابراین روسیه همزمان با گسترش روابط خود با اسرائیل، به حفظ و توسعه رابطه خود با ایران پرداخته است. درواقع روسیه با بهره‌برداری از تنش‌های ایران و اسرائیل، اهداف و منافع خود را در نظام

بین‌الملل دنبال می‌کند. در همین چارچوب، از یک سو روسیه از طریق هماهنگی‌های سیاسی و نظامی با اسرائیل، محدودیت‌هایی را برای منافع ایران در منطقه ایجاد کرده است و از سوی دیگر با همکاری با ایران، آزادی عمل اسرائیل را در صحنه‌های بین‌الملل محدود کرده است. دو بازیگر در تلاش هستند با تداوم همکاری با روسیه، ضمن توسعه نفوذ خود در منطقه، محدودیت‌هایی را برای یکدیگر به وجود آورند. در یک نگاه کلی می‌توان گفت الگوی رفتاری روسیه در قبال ایران و اسرائیل، در چارچوب موازنه قوا در سطوح مختلف بوده است. در نهایت می‌توان گفت روابط دوجانبه بین روسیه-اسرائیل و روسیه-ایران مثبت ارزیابی می‌شود، که ناشی از یک منطق قوی از منافع راهبردی مشترک است؛ برخلاف دشمنی ایران با اسرائیل و آمریکا، روسیه و رژیم صهیونیستی دشمن یکدیگر نیستند.

یادداشت

۱. به دلیل نبرد دو ایدئولوژیک کمونیسم- لیبرالیسم، اسرائیل به اردوگاه غرب گرایش پیدا کرد و روابط شوروی و دولت تازه تأسیس به تیرگی گرایید؛ روابطی که با جنگ اعراب- اسرائیل در ۱۹۶۷ به نقطه پایان خود رسید و به مدت چند دهه قطع شد. با فروپاشی اتحاد شوروی، روند مهاجرت یهودیان از روسیه به اسرائیل آغاز شد. بنابراین، روابط آنها مجدداً توسعه پیدا کرد و تاکنون ادامه دارد (موسوی و نائینی، ۱۳۹۸: ۴۹۶).

منابع

- برچیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۱)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران: نشر میزان.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، *منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا - اسرائیل*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «تبیین عوامل و اهداف اتحاد استراتژیک میان آمریکا- اسرائیل در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، سال ۸، شماره ۲۶، تابستان، صص ۱۹۱-۱۵۳.
- جهانبخش، محمدتقی و حقی‌پناه، جعفر (۱۳۹۴)، «روابط سیاسی-اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در سایه‌ی تحریم‌های غربی درباره‌ی مناقشه اوکراین»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۲۲، صص ۱۸۱-۲۱۰.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و دیگران (۱۳۹۲). «تأثیر تحولات سوریه بر الگوی تعامل میان ایران و ترکیه، الگوی مفهومی و نظری»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۶۱-۱۰۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۴)، «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران- فدراسیون روسیه»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۹، صص ۶۵-۹۱.
- رومی، فرشاد (۱۳۹۶)، «چشم‌اندازی بر راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره پوتین»، *مجله سیاست دفاعی*، سال ۲۵، شماره ۱۰۰، صص ۳۹-۷۳.
- سیمبر، رضا و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶)، «تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد

و تنوع جدید موازنه قوا»، فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، سال اول، شماره اول، صص ۳۳-۵۱.

کولایی، الهه (۱۳۸۱)، «توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۷، صص ۱۱-۵۶.

کولایی، الهه (۱۳۹۲)، «زمینه‌ها و عوامل توسعه روابط روسیه و حماس»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۶، صص ۳۱۵-۳۳۸.

کولایی، الهه و عابدی، عقیقه (۱۳۹۶)، «فراز و فرود روابط ایران و روسیه»، فصلنامه روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۴۵، صص ۱۳۵-۱۶۴.

کیانی، داود و خانمحمدی، زهره (۱۳۹۶)، «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه از ۲۰۱۵-۲۰۱۱: تأکید بر کشورهای عربی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره دوم، صص ۳۴۱-۳۵۸.

گریفتیس، مارتین (۱۳۹۱)، نظریه‌های روابط بین الملل، مترجم علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

مبید، سامی (۱۳۹۸)، «پایگاه ایران در ۳۰۰ کیلومتری سواحل فلسطین اشغالی»، ترجمه طلا یتیمی، دیپلماسی ایرانی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های بین الملل، تهران: سمت.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، تهران: سمت.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۸.

موسوی، سیدحامد و نائینی، امین (۱۳۹۸)، «توسعه روابط روسیه-اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان، صص ۵۱۴-۴۹۵.

نوروزی، نورمحمد و رومی، فرشاد (۱۳۹۳)، «چشم‌اندازی روسی به روابط ایران و روسیه ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال سوم، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۷.

نیاکویی، سیدامیر و صفری، عسگر (۱۳۹۷)، «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین الملل: تلاش برای دستیابی به موازنه قوای مطلوب ۲۰۱۴-۲۰۱۸»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۳، صص ۱۰۱-۱۳۰.

الترز، کنت (۱۳۸۲)، واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد، تهران: ابرار معاصر.

یزدان‌پناه، کیومرث و دیگران (۱۳۹۸)، «سهم ایران از دریای خزر همچنان هاله‌ای در ابهام»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۲، شماره اول، صص ۴۲۳-۴۴۰.

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۱۲/۱۲)، «جزئیات سفر هیئت حماس به روسیه»، قابل دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/12/2215474

خبرگزاری اسپوتنیک (۲۰۲۰/۰۱/۲۳)، «آیا سفر پوتین به اسرائیل وضعیت پیرامون ایران را تغییر خواهد داد؟»، قابل دسترسی در:

خبرگزاری معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۴/۲۳). «ایران و روسیه: روابط اقتصادی کشورها را به یکدیگر نزدیک تر می کند (یک دیدگاه روسی)»، قابل دسترسی در: economic.mfa.ir/portal/newsview/37588

Frolovskiy, Dimitry (2018), “Understanding Russia-Gcc Relation” , *European Nnion Institute for Security Studies*, No.146, pp. 83-95.

Murciana, Gil (2017), “Israel vis-a-vis Iran in Syria:The Perils of Active Containment” , German Institutue for International and Security Affairs. <https://www.swp-berlin.org/en/publication/israel-and-irans-growing-influence-in-syria/>

Griffiths,Martin (1992). **Realism,Idealism and International Politics**, Newyork and London: Routledge.

Averbukh, Lidia and Klein, Margaret (2018), “Russia-Israel Relationship Transformed by Syria Conflict”, *Stiftung Wissenschaft and Politik*, No. 37, pp. 1-8.

Sheehan, Michael (2005), *The balance of power, History and Theory*, Newyork and London: Routledge.

Kazoux, Pierre (2008), “The key under standing the Israel-Russia relationship”, *Research Division-Nato Defense College*, No.42, pp. 1-8.

Hatahet, Sinan (2019), “Russia and Iran:economic influence in Syria”,*The Royal Institute of international affairs*, No. 1, pp. 1-20.

Waltz, Kenneth (1979), **Theory of International Politics**, Addison-Wesley.

Бармин, Юрий (2018), “Россия и Израиль: ближневосточное измерение отношений” , *Российский совет по международным делам*”, No. 42, pp.1-4.

Бочаров, Ю. Б. (2013), “Концептуальный анализ современной фазы развития взаимоотношений между Россией и Израилем”. *Статистика и экономика*, (1), 25-30.

Долгова, Дарья Александровна (2015), “Иран между Россией и США“. *Актуальные проблемы современных международных отношений*”, (6), 75-81.

Екатерина, Сергеевна Верещагина (2003), “Еврейские некоммерческие общественные организации в России и на Дальнем Востоке конец XX — начало XXI В.” . *Россия и АТР*, (3 (41)), 91-95.

Елишев, Сергей Олегович (2013), “Молодежная политика организаций

- иудаизма в Российской Федерации. Вестник Московского университета”. *Серия 18. Социология и политология*, (3), 168-180.
- Жильцов, Сергей Сергеевич (2016), “Сотрудничество России и Ирана в Каспийском регионе: итоги и перспективы, Вестник Российского университета дружбы народов”, *Серия: Международные отношения*, (4), 628-642.
- Ибрагимов, Алимуса Гюльмуса Оглу (2019), “Иран и россия: стратегическое партнерство или взаимовыгодная сделка?.” *Постсоветские исследования*”, 2 (1), 897-903. doi: 10.24411/2618-7426-2019-00008.
- Ивашенцов, Г. (2005), “Россия – Иран, Горизонты партнерства”, *Россия и мусульманский мир*, (1), 111-117.
- Клепиков, Станислав Сергеевич (2016). **Гражданская война в Сирии (2011-2015 гг.) и позиции России и Ирана**. Историческая и социально-образовательная мысль, 8 (3-1), 45-48.
- Марьясис, Дмитрий Александрович (2017). **Перспективы развития российско-израильских торгово-экономических отношений**. Международная торговля и торговая политика, (2 (10)), 125-135.
- Мирван, И. (2011). Иран и россия. Россия и мусульманский мир, (6), 104-108.
- Свешникова, Юлия Владимировна, & Нури Алиреза (2018). **Тактический союз Ирана и России на новом Ближнем Востоке: природа и необходимость**. Актуальные проблемы Европы, (1), 147-167.
- Трушин, Михаил Сергеевич (2019). **Международное положение ирана и интересы россии**. Контентус, (3 (80)), 73-86.
- Федорченко, Андрей Васильевич (2016). «Русский» Израиль» и Россия. Вестник МГИМО Университета, (2 (47)), 245-250.
- Джаббаринасир, Хасан Реза (2020). Иран и израиль Во Внешней политике россии: огран и чения на пути сотрудн и чества. Сравнительная политика, 11 (1), 44-64.
- Чекушкин, А. Н. (2006). **Ядерная программа России и Ирана: проблемы и перспективы сотрудничества**. Гуманитарий: актуальные проблемы гуманитарной науки и образования, (6), 66-68.
- Юлдашева, Г. (2014). **Иран в центральноазиатской политике России**. Центральная Азия и Кавказ, 17 (3), 128-138.